

دوفصلنامه مطالعات اخلاقی و تربیتی

دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اخلاق و تربیت

سال دوم - شماره دوم - بهار و تابستان ۱۴۰۴

راهبرد مردمی سازی آموزش و پرورش در گفتمان شهید رئیسی

(از نظر تا عمل)

سید علی حسینی (نویسنده مسئول)^۱، مهدی رحیمی^۲، سید عباس موسوی^۳

چکیده

مردمی سازی، به عنوان یکی از راهبردهای کلیدی، نقشی بنیادین در تحول نظام آموزشی کشور ایفا می کند. این رویکرد که بر مشارکت فعال و همه جانبه ی مردم در فرایند تعلیم و تربیت تأکید دارد، به دنبال اصلاح نظام حکمرانی آموزش و پرورش است. در همین راستا، در گفتمان شهید رئیسی به اقداماتی نظیر کاهش تصدی گری دولت، تقویت نقش خانواده ها در تصمیم گیری های آموزشی، افزایش نقش نظارتی حاکمیت و بهره گیری از ظرفیت خیرین مدرسه ساز و مدرسه یار توجه شده است. از این رو، پژوهش حاضر با اتکا به روش توصیفی - تحلیلی و شیوه کتابخانه ای، آراء و عملکرد شهید رئیسی را در زمینه مردمی سازی آموزش و پرورش واکاوی کرده است. یافته های این تحقیق نشانگر آن است که مردمی سازی آموزش و پرورش، در کنار دستاوردهایی همچون کاهش شکاف بین خانه و مدرسه و تغییر نگرش در سطح مدیران و کارشناسان آموزشی، با چالش ها و موانعی نیز روبروست. از جمله ی این چالش ها می توان به موانع قانونی، آگاهی بخشی ناکافی به مدیران و معلمان و نیز فهم نادرست از ماهیت حاکمیتی آموزش و پرورش اشاره کرد.

کلیدواژه ها: مردمی سازی؛ نظام تربیتی؛ تربیت مردم نهاد؛ شهید رئیسی.

۱. سطح سه، جامعه المصطفی العالمیه و پژوهشگر حلقه اجتهادی فقه تعلیم و تربیت، مدرسه عالی فقهات عالم آل محمد (ع)، مشهد، ایران.

۲. سطح چهار حوزه علمیه، پژوهشگر حلقه اجتهادی فقه تعلیم و تربیت، مدرسه عالی فقهات عالم آل محمد (ع)، مشهد، ایران.

۳. دکترای فقه تربیتی، دبیر حلقه اجتهادی فقه تعلیم و تربیت؛ مدرسه عالی فقهات عالم آل محمد (ع)، مشهد، ایران.

(mosavi58@chmail.ir)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵



آموزش و پرورش به مثابه رکنی بنیادین در فرایند توسعه‌ی پایدار، نقشی محوری در تربیت سرمایه‌ی انسانی توانمند و راهبردی اهداف کلان فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایفا می‌کند. با این حال، تحولات پرشتاب جهانی و پیچیدگی‌های روزافزون جامعه‌ی معاصر، نظام‌های تربیتی را به بازاندیشی در ساختارها و رویکردهای سنتی خود واداشته است. در این میان، «مردمی‌سازی آموزش و پرورش» به منزله‌ی پارادایمی نوین، که بر مشارکت فعال نهادهای مدنی، خانواده‌ها و ذی‌نفعان غیردولتی استوار است، به‌ویژه در گفتمان شهید رئیسی، به راهبردی کلیدی برای گذار از نظام متمرکز دولتی به الگویی فراگیر و عدالت‌محور بدل گشته است. مسئله‌ی اصلی این پژوهش، واکاوی مؤلفه‌های نظری و عملی این راهبرد در چارچوب اندیشه و اقدامات شهید رئیسی است؛ اندیشه‌ای که آموزش و پرورش را نه صرفاً یک نهاد اداری، بلکه «مسئله‌ی اول کشور» و محملی برای تحقق آرمان‌های تربیتی مبتنی بر تعالیم قرآن کریم (بقره/۱۵۱، ۱۲۹؛ توبه/۱۲۲) بر می‌شمرد.

ضرورت و اهمیت این پژوهش از چند منظر توجیه‌پذیر است:

اول، ناکارآمدی الگوهای پیشین (دولتی‌سازی و خصوصی‌سازی) در تحقق عدالت آموزشی که به نابرابری کیفیت مدارس و ژرف‌تر شدن شکاف طبقاتی انجامیده است. تجارب جهانی و داخلی گواه آن است که مردمی‌سازی، با اتکا بر الگوهایی همچون مدارس وقفی و مشارکت خانواده‌ها، قادر است به کاهش این نابرابری‌ها یاری رساند.

دوم، الزامات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که بر هم‌پیوندی تربیت رسمی و غیررسمی و نقش بی‌بدیل خانواده اصرار می‌ورزد، اما در میدان عمل با موانعی نظیر فقدان سازوکارهای مشارکتی کارآمد مواجه است. شهید رئیسی با درک این خلأ، بر بازتعریف رابطه سه‌ضلعی «مدرسه، خانواده و حکومت» به‌عنوان محور تحول تأکید می‌ورزیدند و سند تحول را راهکاری برای نهادینه‌سازی این هماهنگی می‌دانستند.

سوم، لزوم کوچک‌سازی دایره تصدی‌گری دولت و تقویت کارویژه نظارتی حاکمیت، با عنایت به محدودیت منابع دولتی و ضرورت افزایش بهره‌وری. قانون شوراهای آموزش و پرورش، نمونه‌ای از این گذار



است که باهدف تمرکززدایی و جلب مشارکت جامعه محلی، زمینه را برای کاهش مناسبات بوروکراسی و افزایش پاسخگویی مهیا می‌سازد.

چهارم، نقش بی‌بدیل خانواده به‌عنوان نخستین نهاد تربیتی در تصمیم‌گیری‌های آموزشی، که نه تنها از دولتی شدن یک‌سویه‌ی نظام ممانعت به عمل می‌آورد، بلکه با تقویت حق انتخاب و نظارت والدین، به بهبود عملکرد دانش‌آموزان و ارتقای رضایت ذی‌نفعان منجر می‌شود.

این پژوهش با روشی تحلیلی - توصیفی و با اتکا به اسناد بالادستی، بیانات شهید رئیسی و داده‌های میدانی، بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد: «راهبرد مردمی‌سازی آموزش و پرورش در گفتمان و اقدامات عملی شهید رئیسی از چه مؤلفه‌های نظری و عملی تشکیل شده و اجرای این راهبرد چه دستاوردها و چالش‌هایی را در پی داشته است؟» فرضیه محوری این پژوهش بر این انگاره استوار است که مردمی‌سازی در اندیشه‌ی ایشان، فراتر از شعارهای کلی، بر الگویی نظام‌مند و قرآن‌بنیان تکیه دارد که تحقق آن، مستلزم همگرایی سه‌جانبه‌ی حکومت، مدرسه و جامعه، و عبور از رویکردهای تک‌سویه‌ی گذشته است. دستاورد نهایی این پژوهش، افزون بر تبیین نظری این راهبرد، ارائه‌ی تصویری عینی از تجربیات عملی و تحلیل موانع پیش‌روی آن در مسیر نیل به «نظام تعلیم و تربیتی مردم‌پایه» خواهد بود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

الف - چارچوب نظری پژوهش

تحقیق حاضر بر تحلیل و تبیین راهبرد «مردمی‌سازی آموزش و پرورش» استوار است که از دو منبع اصلی سرچشمه می‌گیرد: نخست، گفتمان و دیدگاه‌های شهید رئیسی به‌عنوان یک رویکرد راهبردی در سطح کلان؛ و دوم، اصول و جهت‌گیری‌های مندرج در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به مثابه مبنای قانونی و هنجاری حاکم بر نظام تعلیم و تربیت کشور.

۱. گفتمان شهید رئیسی و راهبرد مردمی‌سازی:



در منظومه‌ی فکری شهید رئیسی، آموزش و پرورش به مثابه نهادی زیربنایی و فراتر از یک اولویت بخشی، به‌عنوان «مسئله اول کشور» شناسایی می‌شود. این جایگاه، ناشی از نقش محوری آن در تکوین هویت فردی و اجتماعی (ساخت انسان) و نیل به جامعه‌ی مطلوب اسلامی است. از این منظر، تحول در نظام آموزش و پرورش، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت راهبردی برای کاهش شکاف میان وضعیت موجود و وضعیت مطلوب تلقی می‌گردد.

راهبرد «مردمی‌سازی» در این گفتمان، به‌عنوان پارادایمی برای اصلاح نظام حکمرانی آموزش و پرورش مطرح می‌گردد که بر گذار از الگوی تصدی‌گری دولتی صرف، به سمت فعال‌سازی و به‌کارگیری حداکثری ظرفیت‌های اجتماعی و مردمی تأکید دارد. این راهبرد، مستلزم تعریف مجدد نقش دولت از عاملیت اجرایی به سمت هدایتگری، حمایتگری و تنظیم‌گری است. محور اصلی این پارادایم، مشارکت فعال، مؤثر و همه‌جانبه‌آحاد مردم، به‌ویژه خانواده‌ها به‌عنوان «نخستین و پایدارترین نهاد تربیتی» و شرکای راهبردی نظام آموزشی است. هدف غایی از استقرار مدل‌هایی نظیر «مدارس مردمی»، نه تنها ارتقای کیفیت و کارآمدی، بلکه واگذاری مسئولیت‌های اجرایی و تربیتی به کنشگران غیردولتی، با محوریت مردم و نهادهای برآمده از آنان است.

۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش:

سند تحول بنیادین به‌عنوان سند بالادستی و مرجع نظری، مبانی مهمی را برای راهبرد مردمی‌سازی فراهم می‌آورد. این سند بر ضرورت وحدت رویه و هم‌افزایی میان تربیت رسمی و غیررسمی و نقش کلیدی خانواده در تحقق اهداف متعالی تربیت تأکید می‌کند. یکی از اهداف کلان مصرح در سند، «افزایش میزان مشارکت و اثربخشی همگانی، به‌ویژه خانواده، در رشد و تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی» است.

نکته حائز اهمیت در سند، تفکیک میان «شأن حاکمیتی» و «تصدی‌گری اجرایی» است. سند ضمن تأکید بر لزوم تقویت ابعاد حاکمیتی نظام (شامل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی کلان،

پشتیبانی‌های اساسی، نظارت و ارزیابی)، بر ضرورت «مشارکت‌پذیری» و «کاهش تصدی‌گری‌های غیرضروری در امور اجرایی» با رعایت اصل عدالت تصریح دارد. این تفکیک، مبنای نظری لازم برای واگذاری امور اجرایی به مردم و نهادهای مردمی را فراهم می‌سازد.

۳. مبانی نظری و مفهومی مردمی‌سازی:

از منظر نظری، راهبرد مردمی‌سازی ریشه در اصول کلان‌تری چون اصل ۴۴ قانون اساسی (تأکید بر مشارکت عمومی در اداره امور کشور) و مبانی ارزشی و دینی ناظر بر مسئولیت همگانی در امر تربیت دارد. این رویکرد، به دنبال شکل‌دهی به نظام آموزشی خودگردان (در سطح اجرا) و در عین حال همسو با ارزش‌های اسلامی و سیاست‌های کلان نظام است که می‌تواند از ظرفیت نهادهای مدنی و دینی ریشه‌دار مانند وقف و امور خیریه بهره‌مند گردد.

بنابراین، مردمی‌سازی در این پژوهش، نه به معنای خصوصی‌سازی سودمحور و نه تداوم دولتی‌سازی متمرکز، بلکه به‌عنوان راه سوم یا الگویی مشارکتی - حاکمیتی تعریف می‌شود. سازوکارهای اجرایی متنوعی چون مدارس وقفی، مدارس هیأت امنایی، تقویت انجمن اولیا و مربیان و توسعه‌ی نهادهای خیریه آموزشی، تجلیات عملیاتی این چارچوب نظری محسوب می‌شوند.

بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر، راهبرد مردمی‌سازی آموزش و پرورش را به‌عنوان یک الگوی تحولی در حکمرانی آموزشی، مستنبط از گفتمان شهید رئیسی و مستند به مبانی قانونی (سند تحول) و ارزشی (اصول دینی و قانون اساسی) مورد مذاقه قرار می‌دهد. کانون اصلی این تحلیل، بررسی چگونگی بازآرایی نقش‌ها و مسئولیت‌ها میان دولت، مردم (به‌ویژه خانواده‌ها) و نهادهای مدنی در جهت تحقق اهداف نظام تعلیم و تربیت است.

ب - مفهوم‌شناسی

۱ - آموزش و پرورش

آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) به مثابه یکی از ارکان بنیادین و فرآیندهای ضروری در حیات فردی و اجتماعی بشر، نقشی محوری در تکوین هویت نسل‌ها و قوام جوامع ایفا می‌کند. این نهاد، به دلیل رسالت خطیر خود در آماده‌سازی نسل آینده و جهت‌دهی به تحولات اجتماعی، جایگاهی منحصر به فرد برخوردار است.

در سطح نظری، نظام تربیتی به مثابه «مجموعه‌ای از مفاهیم و اندیشه‌های سازمان‌یافته درباره‌ی تربیت که با همبستگی درونی، چگونگی تربیت را به‌طور اساسی بیان می‌کنند» (مرزوقی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۳۴۰) تعریف می‌شود. این نظام، چارچوب کلان حاکم بر فرآیندهای تربیتی را ترسیم می‌کند.

با تمرکز بر گفتمان رسمی جمهوری اسلامی ایران، فرایند تعلیم و تربیت به‌عنوان «فرآیندی تعالی‌جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی» مفهوم‌پردازی شده است. غایت این فرایند، هدایت متربیان به سوی «آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه» و بسترسازی برای «تکوین و تعالی پیوسته‌ی هویت ایشان» در راستای نیل به جامعه‌ی مطلوب اسلامی است. در این چارچوب، نظام آموزش و پرورش رسمی عمومی به‌عنوان «نهادهی اجتماعی، فرهنگی و سازمان‌یافته»، مهم‌ترین کارگزار رسمی انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه‌ی اسلامی ایران به شمار می‌آید که مسئولیت اصلی آن، مهیا ساختن دانش‌آموزان برای دستیابی به حیات طیبه در تمامی ابعاد آن است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۱).

از منظر کارکردی، آموزش و پرورش به‌عنوان زیربنای توسعه پایدار در ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی عمل می‌کند و تجارب جوامع پیشرفته، مؤید ارتباط مستقیم میان برخورداری از نظام آموزشی کارآمد و دستیابی به پیشرفت همه‌جانبه است (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۲). مدارس، به‌عنوان

واحدهای عملیاتی این نهاد و «خط مقدم جبهه‌ی تعلیم و تربیت»، در تعامل مستقیم با جامعه و برای پاسخگویی به نیازهای آن قوام یافته‌اند (نظری دالینی، ۱۳۹۹، ص ۱). لازمه‌ی موفقیت مدارس در تحقق رسالت خود، برقراری ارتباط مؤثر و دوسویه با جامعه‌ی پیرامون است.

یکی از ابعاد ذاتی و ماهوی آموزش و پرورش، سرشت مشارکت‌جویانه‌ی آن است. این ویژگی، ضرورت هم‌افزایی و تعامل میان تمامی عناصر دخیل در فرایند یاددهی - یادگیری (شامل والدین، مربیان، مدیران و دانش‌آموزان) را ایجاد می‌کند. این خصیصه‌ی مشارکتی، ریشه در پیوند عمیق آموزش و پرورش با سایر نهادهای اجتماعی، به‌ویژه خانواده، دارد و در بستر این تعاملات معنا و کارکرد می‌یابد (قاسمی‌پویا، ۱۳۷۴، ص ۵۷).

در گفتمان شهید رئیسی، اهمیت آموزش و پرورش از سطح یک اولویت بخشی فراتر رفته و به‌عنوان «مسئله‌ی اول کشور» مطرح می‌شود. از منظر ایشان، این نهاد، کانون اصلی رفع دغدغه‌های بنیادین جامعه (که مورد توجه دغدغه‌مندان، آسیب‌شناسان، جامعه‌شناسان و خانواده‌هاست) و محور تحقق اهداف فرهنگی انقلاب اسلامی، یعنی «ساخت انسان‌ها، ساخت جامعه‌ی قرآنی و نمونه» است. در این دیدگاه، نقش محوری معلمان و مدارس در پیشبرد این رسالت خطیر، تأکید ویژه‌ای شده است (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۳/۲/۱۰).

۲ - مردمی‌سازی در آموزش و پرورش

مردمی‌سازی آموزش و پرورش، به معنای به‌کارگیری ظرفیت‌های جامعه‌ی مدنی و مشارکت فعال ذی‌نفعان در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرایی نظام آموزشی است و از اصل ۴۴ قانون اساسی، مبنی بر مشارکت مردم در اداره امور کشور، برآمده است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸). در نگاهی دیگر، مردمی‌سازی به معنای انتقال مسئولیت‌های اجرایی و مالی نظام آموزشی از دولت به مردم و نهادهای مردمی است که با محوریت نهادهای دینی، مانند وقف و نیکوکاری، و باهدف ایجاد نظام آموزشی خودگردان و همسو با ارزش‌های اسلامی پی گرفته



می‌شود. این رویکرد نه خصوصی‌سازی سودمحور است و نه دولتی‌سازی متمرکز، بلکه ترکیبی از مشارکت مردمی با حراست از اهداف متعالی تعلیم و تربیت اسلامی به شمار می‌آید (اکبری پویانی و حکیمی، ۱۴۰۱، ص ۵-۶).

چنان‌که که رضا مراد صحرائی، سرپرست وقت وزارت آموزش و پرورش، در جریان سفر استانی رئیس‌جمهور به خوزستان در سال ۱۴۰۲ تأکید کرده است: «یکی از شعارهای اصلی دولت مردمی آیت الله رئیسی، تحقق اصل مردمی‌سازی در نظام حکمرانی است». وی با تأکید بر نقش راهبردی اولیای دانش‌آموزان به‌عنوان شرکای راهبردی آموزش و پرورش کشور تصریح کرد: «واگذاری مدارس به اولیا و شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار، یکی از برنامه‌های مجموعه‌ی تعلیم و تربیت به منظور مردمی‌سازی نظام حکمرانی است؛ زیرا مشارکت اولیا در مدیریت مدرسه می‌تواند نقش مهمی در تحقق تحول تمام‌ساحتی ایفا کند» (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۴۰۲/۲/۸).

آیت الله رئیسی در همایش مدیران مدارس، با تبیین مفهوم مردمی‌سازی و تمایز آن از خصوصی‌سازی، اظهار داشته است: «مردمی‌کردن آموزش در کنار مدارس دولتی و خصوصی، رویکرد جدیدی است که اساس آن، میدان دادن به گروه‌های مردمی و جهادی در عرصه آموزش و پرورش است. تقویت نقش نظارتی مردم در آموزش و پرورش، جلوه‌ی دیگری از مردمی‌کردن آموزش و پرورش است» (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶).

ج - پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی با رویکردهای گوناگون به مسأله‌ی این تحقیق پرداخته‌اند که تفاوت‌هایی با پژوهش حاضر دارند؛ به‌عنوان نمونه، شیرازی و کریمیان در مقاله «بررسی ابعاد مشارکت در آموزش و پرورش (۱): موازنه تمرکز زدایی و مشارکت در نظام آموزش و پرورش» به واکاوی پیشینه و دلایل عدم اجرای سیاست کاهش تمرکز و افزایش مشارکت در آموزش و پرورش ایران می‌پردازند. این پژوهش موانع ساختاری، سیاست‌گذاری، حقوقی، منابع انسانی و فرهنگی را شناسایی کرده و

راهکارهایی برای اجرایی‌سازی متعادل سیاست تمرکززدایی ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که تمرکزگرایی، مانع جدی مشارکت مردم است و تلاش برای کاهش تمرکز و افزایش مشارکت، به رغم وجود ظرفیت‌های قانونی، موفق نبوده است.

علیزاده در پژوهش خود با عنوان «ارتقای مشارکت خانواده در فرایند تربیتی مدرسه و مردمی‌سازی تعلیم و تربیت»، هدفی چون بهبود روابط مدرسه و اجتماع و افزایش مشارکت والدین و شهروندان در فعالیت‌های آموزشی و پرورشی را دنبال کرده است. این پژوهش بر این نکته پای می‌فشارد که مشارکت آگاهانه، به اثر بخشی و کارایی بیشتر مدارس می‌انجامد. همچنین، در این تحقیق خاطر نشان می‌گردد که منابع دولتی محدود بوده و مشارکت مردمی، به‌ویژه خانواده‌ها، برای تأمین نیازمندی‌های آموزش و پرورش، ضروری است.

عباس‌زاده و همکاران در مطالعه‌ی «تبیین تحلیلی مشارکت در مدارس از منظر زیر نظام راهبری و مدیریت سند»، به بررسی ابعاد و مؤلفه‌های سازنده‌ی الگوی مشارکت مدارس برای اجرای زیرنظام راهبری و مدیریت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته‌اند. این پژوهش، شش بعد اصلی مشارکت شامل قلمرو، مبنای، سطح، فرم، حدود و درجه مشارکت را شناسایی کرده است. یافته‌های پژوهش‌های خارجی نیز نشان‌دهنده‌ی تأثیر عدم تمرکز بر افزایش مشارکت جامعه و چالش‌هایی نظیر کمبود منابع و نیروی انسانی آموزش دیده است.

نظری دالینی در مقاله‌ی «فرهنگ و توسعه مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش»، باهدف بهبود روابط با اجتماع و ایجاد زمینه‌ی مشارکت فعال والدین و شهروندان در فعالیت‌های مدرسه، به رشته تحریر درآمده است. نگارنده در این مقاله، بر اهمیت فرهنگ مشارکت تأکید ورزیده و موانع و راهکارهایی برای توسعه آن ارائه می‌دهد. نتیجه‌گیری اصلی این است که تغییر نگرش مردم نسبت به آموزش و پرورش می‌تواند زمینه ساز حمایت و مشارکت اجتماعی گردد.



اکبری پویانی و حکیمی در مقاله‌ی «مردمی سازی آموزش و پرورش، جایگزین دولتی سازی و تجاری سازی؛ از طریق نهاد وقف و نیکوکاری»، طرحی راهبردی برای خروج آموزش و پرورش ایران از محدودیت‌های مالی دولتی‌سازی و سکولاریسم خصوصی‌سازی عرضه می‌کنند. این پژوهش، الگوی مردمی‌سازی بر پایه وقف و نیکوکاری را تبیین کرده و تحقق آن را منوط به بازگشتی عمیق به نهاد دین، دوری گزیدن از بودجه دولتی، و شفافیت مالی برای جذب انگیزه‌های خیرخواهانه‌ی واقفین می‌داند.

اشرف اسلامی در مقاله‌ی «نگرشی بر ابعاد مشارکت مردم در آموزش و پرورش»، به ریشه‌های تاریخی و اهمیت فزاینده‌ی مشارکت مردم در آموزش و پرورش به‌عنوان محور توسعه می‌پردازد. این گزارش با بررسی تجربه‌ی ایران و سایر کشورها، اشکال کنونی مشارکت، کاستی‌ها و راهکارهای گسترش آن را به بحث گذارده و تأکید می‌کند که مشارکت، نه تنها در زمان بحران مالی، بلکه برای تحقق واقعی تعلیم و تربیت در هر شرایطی ضروری است و برداشتن موانع نظری و عملی است.

صمدی در مقاله‌ی «واکاوی تسهیل‌گرهای مشارکت خانواده در سیاست‌گذاری‌های تربیتی»، به بررسی تسهیل‌کننده‌های مشارکت خانواده در این حوزه پرداخته است. پژوهش وی ۲۷ تسهیل‌گر در پنج گروه حاکمیتی، اجتماعی، قانونی، ساختاری و آموزشی شناسایی کرده و نتیجه می‌گیرد که مشارکت خانواده، نیازمند باور سیاست‌گذاران، آموزش خانواده، شفافیت اطلاعات، و افزایش اعتماد متقابل میان خانواده و نهاد تعلیم و تربیت است.

با توجه به منابع، متغیرها و رویکرد متفاوت پژوهش‌های پیشین، تحقیق حاضر را می‌توان در امتداد مطالعات گذشته دانست؛ با این حال، زاویه‌ی نگاه متمایز رویکردی و روشی آن، و نیز تبیین نظرگاه آیت الله رئیسی در مسأله پژوهش، می‌تواند نوآوری آن را برجسته و توجیه کند.



پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی - تحلیلی به انجام رسیده است. برای گردآوری اطلاعات (مکتوب و الکترونیکی)، از شیوه‌ی کتابخانه‌ای بهره گرفته شده و آرا و عملکرد شهید رئیسی در زمینه مردمی‌سازی آموزش و پرورش، مورد مذاقه قرار گرفته است. داده‌های گردآوری شده، سپس به شیوه‌ای تحلیلی واکاوی شده‌اند تا راهبردها، دستاوردها و چالش‌های مردمی‌سازی آموزش و پرورش در گفتمان ایشان تبیین شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق

فصل اول: ضرورت‌های مردمی‌سازی آموزش و پرورش

ضرورت مردمی‌سازی و توسعه‌ی مشارکت در آموزش و پرورش از جنبه‌های گوناگونی قابل بررسی است:

۱. کاهش شکاف میان مدارس دولتی و غیرانتفاعی: تجربه‌ی چهار دهه‌ی گذشته نشان داده است که دوگانه‌های دولتی‌سازی و تجاری‌سازی نتوانسته‌اند عدالت آموزشی را آن‌طور که باید و شاید، محقق سازند. در این میان، مدارس دولتی با چالش‌های مالی دست و پنجه نرم می‌کنند و از سوی دیگر، برخی مدارس غیرانتفاعی به گسترش تبعیض آموزشی و حتی ترویج سکولاریسم متهم شده‌اند. در چنین شرایطی، مردمی‌سازی از طریق الگوهای چگونگی مدارس وقفی و همچنین مشارکت مؤثر والدین، می‌تواند راهکاری برای ترمیم این شکاف باشد (شوشتری و خزامی، ۱۴۰۳، ص ۶۳).

داده‌های عملکردی نظام آموزشی نیز ضرورت این رویکرد را تأیید می‌کنند. چنان که ابراهیم‌پور اشاره می‌کند: «نتایج کنکور امسال نشان داد که بیشتر رتبه‌های برتر متعلق به دانش‌آموزان غیردولتی و سمپاد بوده و سهم مدارس دولتی در رتبه‌های بالای کنکور، هفت درصد بود.» این



آمار حاکی از عدم توازن در کیفیت آموزشی میان مدارس مختلف است که با بازنگری جدی در ساختار مدیریتی آموزش و پرورش را طلب می‌کند (خبرگزاری ایسنا: ۱۴۰۳/۶/۲۶).

آیت‌الله رئیسی تقویت سطح کیفی آموزش در مدارس را از مصادیق ارتقای عدالت آموزشی در کشور خواند و افزود: «مدارس دولتی، پرچمداران آموزش عمومی در کشور هستند و به هیچ عنوان شایسته نیست در آزمون‌های هماهنگ کشوری، دانش‌آموزان این مدارس سطح علمی نازلی داشته باشند و این تلقی در کشور رواج یابد که موفقیت در گروهی پیوستن به مدارس غیردولتی است» (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۱/۵/۲۹).

۲. پیش‌نیاز تحول واقعی در نظام تعلیم و تربیت: تحقق نظامی آموزشی و پرورشی که در آن، ایفای نقش مردم شأن و منزلت برجسته‌ای برخوردار باشد، یکی از آرزوهای برآورده نشده‌ی جامعه‌ی ماست. تحقق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی، نیازمند تلاشی همه‌جانبه در ابعاد مختلف فرهنگی، علمی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و در این میان، عرصه‌ی تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی کشور و ابزاری کارآمد برای ارتقای سرمایه‌ی انسانی شایسته محسوب می‌شود (بهروزی امین و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۷). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بر ضرورت وحدت میان تربیت رسمی و غیررسمی، نقش کلیدی خانواده در تحقق اهداف تربیت و لزوم هماهنگی آن‌ها تأکید ورزیده است. این سند، «افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی، به‌ویژه خانواده، در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی» را به یکی از اهداف کلان خود بر می‌شمرد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). با این حال، علی‌رغم تأکید سند بر جلب مشارکت همگانی، مفهوم دقیق و شیوه‌های عملیاتی کردن آن در مدارس به‌طور شفاف ارائه نشده و جای خلأ آن محسوس است.

شهید رئیسی نیز در دیدار با معلمان نمونه‌ی کشوری، نهاد تعلیم و تربیت را موضوعی بس بااهمیت توصیف کرده که باید همواره مورد توجه دولتمردان، معلمان، مربیان و خانواده‌های گرامی باشد و گفته‌اند: «موضوع تعلیم و تربیت، اساس ساختن کشور، صیانت از جامعه، رشد فرهنگی،

اقتصادی و اجتماعی، آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی از جامعه و شالوده‌ی ارتقای نسل‌هاست... امروز، ضرورت بازنگری نسبت به اقدامات صورت گرفته باهدف کم کردن فاصله‌ی وضع موجود با وضع مطلوب، امری ضروری است و در این زمینه، سند تحول آموزش و پرورش می‌تواند در راستای اقدامات هماهنگ و منسجم میان مدرسه، خانواده و متولیان اجرای این سند، نقشی بسزا ایفا کند» (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۳/۲/۱۰).

۳. کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش نقش نظارتی حاکمیت: مشارکت در آموزش و پرورش، پدیده‌ای است که از دیرباز مورد توجه بوده و نشان می‌دهد که دولت‌ها به تنهایی قادر به تأمین تمام نیازهای این عرصه، از جمله تربیت نیروی انسانی، نیستند. در همین راستا، قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در سال ۱۳۷۲ باهدف تمرکززدایی و مردمی‌سازی نظام آموزشی به تصویب رسید (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۵). این شوراها باهدف جلب مشارکت‌های مردمی، تمرکززدایی، تأمین منابع جدید مالی، رفع تنگناها و ایجاد نظارت عمومی بر آموزش و پرورش شکل گرفتند و می‌توانند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های محلی، نقش نظارتی حاکمیت را تقویت کرده و از تصدی‌گری مستقیم دولت بکاهند. تجارب جهانی نیز گواه آن است که عدم تمرکز در آموزش، مشارکت جامعه را افزایش داده و ابزاری برای کاستن از بار مسئولیت دولت است (بهریزی امین و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۹). سند تحول بنیادین نیز بر «تقویت شأن حاکمیتی نظام تعلیم و تربیت در ابعاد سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، پشتیبانی، نظارت و ارزیابی، در کنار مشارکت‌پذیری و کاهش تصدی‌گری غیرضروری در اجرا با رعایت اصل عدالت»، تأکید ورزیده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۵).

دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش در این زمینه تصریح کرده است: «مبنای مردمی‌سازی این است که نظام صرفاً دولتی از اداره مدارس به یک نظام ترکیبی بر مبنای مداخله و پشتیبانی مردم منجر شود. این مفهوم برای اینکه عملیاتی شود در هر یک از زیرنظام‌های شش‌گانه سند می‌توانیم به ما به ازای مردمی‌سازی فکر کنیم.» (امانی، ۱۴۰۱/۹/۶).



آیت الله رئیسی هدف مدارس مردمی را کاهش تصدی گری دولت و تحدید نقش آن به حمایت و هدایتگری در آموزش و پرورش می دانستند؛ چنان که می فرمودند: در این الگو، می شود مسئولیت های مهم را به مردم بخصوص خانواده ها واگذار کرد (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۱/۷/۲۵).

۴. افزایش نقش خانواده ها در تصمیم گیری های آموزشی: خانواده، در مقام نخستین واحد بنیادین اجتماعی و به اعتبار گستردگی، پایدارترین نهاد اثرگذار در تربیت انسان به شمار می آید؛ زیرا در طول چرخه ی حیات، عملکردهای وسیع اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و عاطفی را بر عهده دارد و کانون اصلی رشد، تعالی، بهداشت روان، تعلیم و تربیت، تغییر رفتار و انتقال ارزش های دینی و فرهنگی فرزندان است (شوشتری و خزامی، ۱۴۰۳، ص ۶۲). حضور خانواده در فرایند تربیت رسمی و عمومی، روشی مطمئن برای پیشگیری از دولتی شدن کامل نظام تربیتی و کنترل سلطه نامحدود دولت بر تکوین هویت افراد، و جلوگیری از ابزاری شدن آن است. والدین از حقوقی چون حق انتخاب نوع تربیت، حق مشارکت در جریان تربیت و حق نظارت بر نظام تربیت رسمی برخوردارند (مظاهری، موسی پور و ناطقی، ۱۳۹۵، ص ۱۷-۱۸).

مشارکت خانواده در فرایند تربیت، هم حق و هم تکلیف؛ و دولت موظف است در استیفای این حق و یاری رساندن به ادای این تکلیف بکوشد و سازوکارهای لازم را فراهم آورد (صمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۹). امروزه در سطح جهانی، مشارکت افراد ذی نفع، به ویژه والدین، به منزله ی یکی از عوامل مهم دموکراسی در آموزش و پرورش قلمداد می گردد (نوروزنژاد قادی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۲۵). پژوهش ها نیز مؤید آن است که مشارکت والدین در امور مدرسه، به نگرش مثبت آنان به نظام آموزشی و بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان می انجامد.

شهید رئیسی در همایش مدیران مدارس، با اشاره به تجربه ی دوران کرونا، اظهار داشته اند: «والدین می توانند نقش بسیار مهمی در مردمی سازی تعلیم و تربیت ایفا کنند. شرایط کرونایی در کنار همه مشکلاتی که برای مردم و کشور ایجاد کرد، در عین حال، تجربیات مفیدی به ارمغان

آورد که یکی از آنها، نقش و کمک کردن والدین به معلمان در تعلیم و تربیت بود» (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۲/۶/۲۶).

۵. ارتقای کیفیت آموزشی از طریق مشارکت ذی‌نفعان: در نظام‌های تعلیم و تربیت مترقی، مدارس نمی‌توانند از خانواده جدا باشند و همکاری نزدیکی بین اولیا، مربیان و مدیران برقرار است. در این نظام‌ها به اولیا فرصت همکاری و مشارکت در امور آموزشی و پرورشی فرزندان داده می‌شود که ثمره‌ی آن، ارتباط نزدیک و صمیمانه با مسئولان مدرسه، رشد و شکوفایی دانش‌آموزان و بهبود کیفیت آموزشی و پرورشی مدرسه خواهد بود (منافی شرف آباد و زمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰). موفقیت در امر خطیر تعلیم و تربیت، مستلزم به‌کارگیری خرد و دارایی‌های جمعی است؛ مدرسه به تنهایی نمی‌تواند ار عهده‌ی این امر مهم برآید و نیازمند همکاری با والدین، جامعه و صنعت است (بهروزی امین و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۷). رابطه‌ی نزدیک و تنگاتنگ والدین و مربیان می‌تواند به مقدار قابل توجهی در آگاه‌سازی والدین برای پیشگیری از اختلالات عاطفی و روانشناختی دانش‌آموزان یاری رساند و در بهبود فرایند آموزش و پیشرفت تحصیلی مؤثر باشد (مرادبیکی و کوشکی، ۱۴۰۲، ص ۱).

آیت الله رئیسی در اجلاس مدیران آموزش و پرورش، با اشاره به ضرورت نقش‌آفرینی مردم در تعلیم و تربیت، تأکید کرده‌اند: «تقویت نقش نظارتی مردم در آموزش و پرورش، جلوه‌ی دیگری از مردمی کردن آموزش و پرورش است» و «والدین می‌توانند نقش بسیار مهمی در مردمی‌سازی تعلیم و تربیت ایفا کنند.» (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹).

فصل دوم: راهکارهای توسعه و تعمیق مردمی‌سازی

برای توسعه و تعمیق مردمی‌سازی در نظام آموزش و پرورش، می‌توان راهکارهای زیر را پیش گرفت:



۱. اصلاح فهم از ماهیت حاکمیتی آموزش و پرورش: ضروری است از فهم نادرست حاکمیت، به مثابه تصدی‌گری مستقیم دولتی، فاصله گرفته و نقش حاکمیت در سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت بر نظام تعلیم و تربیت از پیش‌دبستانی تا دانشگاه، به‌عنوان امری حاکمیتی با توسعه‌ی مشارکت همگانی همراه است، بازتعریف و تقویت گردد. در این چارچوب، شوراهای آموزش و پرورش باید به‌عنوان نهادهایی مستقل و مردمی عمل کنند تا بتوانند نقشی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های آموزشی ایفا نمایند و نقش دولت از تصدی‌گری به نظارت و حمایت تغییر یابد. سند تحول بنیادین نیز بر تقویت و نهادینه‌سازی مشارکت اثربخش و مسئولیت‌پذیری مردم، خانواده و نهادها (هدف کلان ۵) و تعامل اثربخش نظام تعلیم و تربیت با سایر نهادها به‌ویژه خانواده و رسانه با تأکید بر کاهش مرزهای تربیت رسمی و غیررسمی (هدف کلان ۸) تأکید دارد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۸).

چنان که پیش‌تر اشاره شد، شهید رئیسی نیز هدف از تأسیس مدارس مردمی را کاستن از نقش مستقیم دولت در آموزش و پرورش و محدود ساختن آن به حمایت و نظارت می‌دانستند و واگذاری مسئولیت‌های کلیدی به مردم، به‌ویژه خانواده‌ها، را امکان‌پذیر تلقی می‌شمرد (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۱/۷/۲۵).

۲. طرح‌های مشارکت خیرین (مدرسه‌سازی، مدرسه‌یاری): خیرین مدرسه‌ساز، با ایثار مالی خویش، نقش بسزا در توسعه‌ی فضاهای آموزشی کشور ایفا کرده‌اند؛ چنان که بخش چشمگیری از کلاس‌های درس کشور، به همت آنان بنا شده است. این تجربه‌ی موفق را می‌تواند به سایر حوزه‌های آموزشی نیز تعمیم داد. از این رو، ضروری است که با ایجاد سازوکارهای مناسب، سطح مشارکت واقفین و خیرین مدرسه‌ساز، به‌طور مستمر حفظ و ارتقا یابد. اقداماتی نظیر نام‌گذاری مدارس به نام ایشان، سهمیم ساختن آنان در مدیریت مدارس خیرساز، و مشارکت دولت در تأمین هزینه‌های جاری این مدارس، می‌تواند در این راستا کارگشا باشد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۱۵). قلمرو این مشارکت‌ها می‌تواند عرصه‌هایی چون همکاری در تأمین امکانات

بهداشتی، تهیه‌ی وسایل آموزشی و کمک‌آموزشی، مشارکت در بهسازی و زیباسازی محیط مدارس، و یاری در تعمیر تجهیزات و تأمین وسایل مورد نیاز را در بر گیرد (بهروزی امین و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۹).

برای توسعه مردمی‌سازی، یکی از الزامات گسترش شبکه حامیان مدارس است. امانی در این زمینه اظهار داشته: «۱۲۰ هزار مدرسه در کشور داریم. برای هر مدرسه ۱۰ تا حامی نیاز داریم که برای آن مدرسه آورده‌ای داشته باشند و به آن فکر کنند. بچه‌ها را تشویق کنند، برای آنها دلسوزی کنند حتی اگر در آن محله نباشند. این طور مدرسه‌ها صاحب پیدا می‌کنند که به معنای واقعی پاسخگو باشند... در زمینه طرح‌های مشارکت خیرین نیز با اظهار امیدواری برای مفهوم مدرسه‌سازی در آموزش و پرورش، مدرسه‌سازی که الحمدالله بود حالا جهاد مدرسه‌یاری و جهاد مدرسه‌داری را باید ترویج کنیم.» (امانی، ۱۴۰۱/۹/۶).

شهید رئیسی نیز در ضیافت افطار با خیرین، ضمن تأکید بر نقش ارزشمند آنان در توسعه‌ی فضاهای آموزشی، بیان داشت‌اند: «همراهی دولت و خیرین، موجب چند برابر شدن ظرفیت و توان مقابله با محرومیت و فقر در کشور می‌شود.» و «خدمات خیرین در مدرسه‌سازی، مصداق بارز باقیات الصالحات و صدقه جاریه است.» (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۱/۱۱/۱۳).

۳. مدارس هیأت امنایی و الگوی مشارکت توأمان دولت و مردم: مدارس هیأت امنایی، در مقام الگویی موفق از مشارکت هم‌زمان دولت و مردم، رخ می‌نمایند؛ در این مدارس، هیأت‌های امنایی متشکل از نمایندگان مردم، مدیران و کارشناسان آموزشی، مسئولیت اداره مدرسه را بر عهده دارند (قاسمی پویا، ۱۳۷۴، ص ۵۸). وجه تمایز اصلی این مدارس با سایر مدارس، در شیوه‌ی اداره و مدیریت آن‌ها نهفته است. شواهد، حکایت از آن دارد که سطح مشارکت اولیا در مدارس هیأت امنایی، در قیای با مدارس عادی، بیشتر است. به نظر می‌رسد شیوه تصمیم‌گیری گروهی در این مدارس، به اتخاذ تصمیمات منعطف‌تر و دور از یک‌جانبه‌نگری می‌انجامد؛ احتمالاً به این دلیل که اولیا در ابراز نظرات خود اختیارات بیشتری دارند و رأی آنان بیشتر مورد توجه قرار



می‌گیرد، که همین امر، خود عاملی برای افزایش مشارکتشان شده است (صمدی، ۱۴۰۲، ص ۱۳۷).

بر اساس اظهارات کوتاه مسئولان، چنین استنباط می‌شود که مردمی‌سازی آموزش و پرورش، توسعه‌ی مدارس غیردولتی وابسته به نهادهای مختلف و مدارس وقفی، گسترش مدارس هیأت امنایی در حوزه‌ی مدارس دولتی، و برداشتن بخشی از بار دولت در عرصه‌ی مدرسه‌داری را دنبال می‌کند. یکی از اهداف اصلی سیاست مردمی‌سازی، کاهش بار مالی دولت در حوزه‌ی آموزش است. برنامه‌ی دولت سیزدهم برای تبدیل ۲۵ درصد از مدارس دولتی به هیأت امنایی طی دو سال، نشانگر تمایل به کاهش تصدی‌گری مستقیم دولت بوده است. قرار بود این رویکرد از طریق جذب منابع مالی از خانواده‌ها، خیرین و گروه‌های جهادی، پی گرفته شود (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۲/۲/۲۹).

۴. بازطراحی انجمن اولیا و مربیان از مشارکت مالی به مشارکت راهبردی: انجمن اولیا و مربیان، با تجربه‌ای بیش از نیم قرن در کشور، یکی از بازوهای اصلی نظام آموزشی در جهت توانمندسازی و جلب مشارکت نظام‌مند خانواده‌ها و سایر نهادهای پیرامونی در امور مدارس است (آرین فرد و عظیمی، ۱۴۰۰، ص ۲). وظیفه‌ی اصلی این نهاد، برقراری ارتباط و پیوند میان مدرسه و خانه است تا والدین در رفتار با فرزندان خود، به صورتی هماهنگ و همسو با برنامه‌های آموزش و پرورش عمل کنند و اثربخشی برنامه‌ها را افزایش دهند. انجمن وظیفه دارد زمینه همکاری خانواده در برنامه‌های آموزشی و پرورشی مدارس را فراهم سازد و با تأکید بر هنجارهای اجتماعی، ارائه‌ی الگوهای مناسب و فراهم نمودن بستر مشارکت اولیا در نظام تصمیم‌گیری مدرسه، فرصت‌های آموزشی را ایجاد کند (تقی زاده، ۱۳۹۵، ص ۳).

اولیا، با تشکیل انجمن و به دعوت مدیر، می‌توانند او را در اتخاذ تصمیمات مدرسه‌ای یاری کرده و در تحقق و اجرای آن‌ها و پذیرش عواقبشان سهیم گردند (منافی شرف آباد و زمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹). با این حال، ضرورت دارد که انجمن‌های اولیا و مربیان از نقش سنتی و عمدتاً

مالی خود فراتر رفته و به سمت مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌های راهبردی مدرسه حرکت کنند؛ امری که مستلزم تغییر در ساختار و اختیارات این انجمن‌هاست (قاسمی پویا، ۱۳۷۴، ص ۵۸). باید از تشکیل صوری انجمن‌ها پرهیز کرد و اصل مدرسه‌محوری را که در آن، اولیا نقش مهم ایفا می‌کنند، مد نظر قرار داد. اگر انجمن‌ها از حالت انفعالی خارج شوند و به تقاضای خانواده‌ها در امر مشارکت و آموزش، توجهی ویژه معطوف گردد، مشارکت افزایش خواهد یافت (نظری دالینی، ۱۳۹۹، ص ۶).

شهید رئیسی در همایش مدیران مدارس کشور، با تأکید بر نقش تعیین‌کننده والدین در کنار مدیریت و معلم، سازوکاری مانند انجمن اولیا و مربیان را مفید ارزیابی کردند (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۲/۶/۲۶).

۵. الزامات قانونی و ساختاری برای توسعه مردمی‌سازی: توسعه مشارکت مردمی، نیازمند بستری قانونی و ساختاری مناسب است. تدوین قوانین و مقررات شفاف برای حمایت از مشارکت مردمی، ایجاد تشکل‌های مردمی و تقویت نهادهای مدنی، از جمله‌ی این الزامات به شمار می‌رود. باید تسهیلات قانونی برای بسط فرهنگ نیکوکاری، تعاون، مشارکت‌پذیری و مشارکت‌جویی ایجاد شود. افزون بر این، ایجاد سازوکارهای قانونی برای افزایش انگیزه‌ی معلمان و مربیان از طریق ساماندهی خدمات رفاهی و رفع مشکلات معیشتی، و همچنین ایجاد سازوکارهای قانونی و ساختاری مناسب برای سنجش و ارزشیابی عملکرد نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، از دیگر الزامات است. اصلاح قوانین و مقررات موجود در راستای تقویت نقش شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها، مناطق و مدارس، متناسب با مقتضیات تربیتی، امری ضروری است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۱۵-۱۹). قوانین موجود باید به گونه‌ای اصلاح شوند که از استقلال تشکل‌های مردمی حمایت کرده و از تعارض منافع جلوگیری کنند.

دولت شهید رئیسی برای عملیاتی کردن راهبردهای مردمی‌سازی، به اصلاح آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها اقدام نموده و نشست‌های تخصصی متعددی را برای بررسی و عملیاتی کردن این



راهبردها برگزار کرده است. علاوه بر این، تهیهی پیش‌نویس لایحه‌ی اصلاح قانون شوراهای آموزش و پرورش باهدف استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود برای تسهیل در فعالیت‌های آموزش و پرورش، از دیگر اقدامات عملی در این راستا بوده است. رویکرد آینده‌نگر دولت شهید رئیسی در مردمی‌سازی آموزش و پرورش، متمرکز بر ایجاد توازن میان نقش نظارتی و راهبردی دولت و مشارکت فعال مردمی است. در این راستا، اصلاح و بازطراحی ساختارهای قانونی موجود، مانند شوراهای آموزش و پرورش، به‌منظور تسهیل مشارکت مردمی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین، تقویت زیرساخت‌های تنظیم‌گری و قاعده‌گذاری در سطح محلی، به‌عنوان پیش‌نیاز تحقق مردمی‌سازی واقعی، مورد توجه قرار گرفته است (عابدی، هادی، ۱۴۰۱/۱۱/۱۷).

فصل سوم: دستاوردها و چالش‌های مردمی‌سازی

الف - دستاوردها:

۱. کاهش شکاف بین خانه و مدرسه و هماهنگی بیشتر در رویکردهای تربیتی: والدین نقش حیاتی در تعلیم و تربیت فرزندان دارند و نخستین مربیان آنان به شمار می‌آیند؛ این نقش مهم، با ورود فرزندان به مدارس نیز تداوم می‌یابد. خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی، مکمل یکدیگرند؛ خانه، مدرسه‌ی اول فرزند و مدرسه، خانه‌ی دوم اوست. اگر این دو نهاد، روش‌ها و برنامه‌های هماهنگی نداشته باشند، در روند رشد کودک، اختلال به وجود می‌آید. بنابراین، میان روش‌ها و منش‌های خانه و مدرسه باید همسویی و تشابه وجود داشته باشد تا به‌عنوان دو جریان همدل و مکمل عمل کنند و کار یکدیگر را خنثی نکنند (دبیری منش و صداقت خواه، ۱۴۰۰، ص ۱۶۲-۱۶۵).

ارتباط این دو نهاد باعث ایجاد هماهنگی در هدف‌ها، روش‌ها و انتظارات تربیتی و آموزشی می‌انجامد و از بروز تضادها، دوگانگی‌ها و تعارض‌ها در امور تحصیلی و تربیتی، که موجب سرخوردگی، دل‌زدگی و سردرگمی فرزندان می‌شود، جلوگیری می‌کند (مرادبیکری و

کوشکی، ۱۴۰۲، ص ۷). نتیجه‌ی نهایی این همکاری، ارتباط نزدیک و صمیمانه‌ی اولیا با مسئولین آموزشی مدرسه است که به رشد، شکوفایی و پیشرفت آموزشی و پرورشی دانش‌آموزان منجر می‌گردد (منافی شرف آباد و زمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۰).

شهید رئیسی در مراسم آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بر ضرورت حفظ پیوند میان خانه و مدرسه تأکید کرده و اظهار داشته‌اند: «خانواده‌ها بر اساس اعتماد فرزندان دلبندشان را به مدرسه می‌فرستند، اما به هیچ عنوان نباید رابطه‌شان را با مدرسه، معلم و مدیران قطع کنند. دانش‌آموزان همواره باید احساس کنند میان خانه و مدرسه به‌عنوان دو مجموعه اثرگذار ارتباط و هماهنگی برقرار است.» (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۲/۷/۱).

۲. موفقیت‌های خیرین مدرسه‌ساز و تجارب موفق مشارکت مردمی: ایجاد سازوکارهای مناسب برای حفظ و ارتقای مستمر سطح مشارکت واقفین و خیرین مدرسه‌ساز، یکی از دستاوردهای درخور توجه به شمار می‌رود (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰، ص ۱۵). خیرین مدرسه‌ساز با احداث درصد قابل توجهی از فضای آموزشی کشور، نقشی مهم در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش ایفا کرده‌اند.

شهید رئیسی در آیین افتتاح پروژه‌های آموزشی تصریح کرده‌اند: «با همکاری دولت و خیران می‌توان در برخی مناطق که کمبود فضای آموزشی و پرورشی وجود دارد، در زمان کوتاهی بسترهای مناسب برای تربیت دانش‌آموزان را فراهم کرد؛ مشارکت خیرین در ساخت مدرسه برای پرورش آینده‌سازان کشور، مصداق بارز باقیات الصالحات است.» (بیانات در تاریخ: ۱۳/۱۱/۱۴۰۱).

ایشان در دیداری که با مدیران مدارس داشتند، ساخت و تجهیز مدارس در حوزه‌ی حرفه‌آموزی و مهارت‌آموزی دانش‌آموزان را بسیار بااهمیت برشمردند و ضمن تجلیل از خیرین مدرسه‌ساز گفته‌اند: اگر امروز ۵ هزار طرح آموزشی تحویل و ۲ هزار طرح دیگر در حال آماده‌سازی است، به برکت



تلاش‌های خیرین مدرسه‌ساز و همچنین مدیران دلسوز، با کفایت و با انگیزه بوده است (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۲/۶/۲۶).

۳. تغییرات نگرشی در سطح مدیران مدارس و کارشناسان آموزش و پرورش: نگاه مشارکت‌جویانه‌ی مدیران می‌تواند به استفاده‌ی مطلوب از ظرفیت‌های اولیا بینجامد. در این صورت، اولیا نیز با نگاه خدمت به فرزندان خود، با مدرسه ارتباط صمیمانه برقرار کرده و در رفع موانع و مشکلات آموزشی و پرورشی همکاری می‌کنند (دبیری منش و صداقت خواه، ۱۴۰۰، ص ۱۶۸). با این حال، در میان مدارس، طیف گوناگونی از نحوه‌ی ایجاد مشارکت توسط مدیران مشاهده می‌شود؛ در یک سو، مدیرانی قرار دارند که ترجیح می‌دهند والدین در کار مدرسه دخالتی نداشته باشند و در سوی دیگر، مدیرانی هستند که به حضور حداکثری اعضای انجمن و همکاری در تمام حوزه‌های کاری مدرسه تمایل دارند (قربانی و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۷).

شهید رئیسی در مراسم آغاز سال تحصیلی سال ۱۴۰۳-۱۴۰۴ در همایش مدیران مدارس کشور، نقش مدیران را در شکل‌گیری شخصیت و هویت دانش آموز و تعلیم و تربیت، بی بدیل دانسته و افزودند: «یک تحول باید شناختی، فرایند و نهادی باشد و در انجام این تحول، شرط اول، باور به تحول است؛ به این نحو که مدیران، وضع موجود را ببینند و وضع مطلوب را ترسیم کنند و باید فاصله میان وضع موجود و مطلوب، کم شود» (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۲/۶/۲۶).

ب - چالش‌ها

۱. موانع قانونی و ساختاری: ساختار کنونی آموزش و پرورش، قادر به فراهم آوردن زمینه‌ی مشارکت وسیع مردم نیست و تحقق مشارکت، نیازمند کارکردها و ساختاری ویژه با این توانایی است. نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که هرچند بر ضرورت تمرکززدایی تأکید می‌شود، اما اعتقاد مدیران ارشد، مبنی بر تبعیت آموزش و پرورش از نظام سیاسی متمرکز کشور و تأکید قانون اساسی بر تمرکز، تمرکززدایی را به امری دشوار بدل می‌سازد. از مهم‌ترین موانع و چالش‌های اجرای سند

تحول بنیادین می‌توان به عدم پیش‌بینی ضمانت اجرایی، عدم تنقیح قوانین و مقررات متناسب با سند، عدم تصویب قوانین پیش‌بینی‌شده در سند، و کوتاهی دولت و مجلس در ارائه لوایح و طرح‌های قانونی لازم اشاره کرد (بهروزی امین و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۳).

دولت شهید رئیسی، چنان که پیش‌تر اشاره شد، برای رفع این موانع قانونی وساختاری، به اصلاح آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، برگزاری نشست‌های تخصصی و تهیه پیش‌نویس لایحه‌ی اصلاح قانون شوراهای آموزش و پرورش کرده است (عابدی، هادی، ۱۴۰۱/۱۱/۱۷).

۲. آگاهی‌بخشی ناکافی به مدیران و معلمان: برخی از کاستی‌های مشارکت، ناشی از عوامل انسانی است که شامل ضعف مدیران در تفکر و برنامه‌ریزی مشارکتی و فعال نبودن معلمان در امور مشارکت می‌شود. برخی مدیران، آموزش لازم برای مدیریت اثربخش و جلب مشارکت مردم را ندیده‌اند، آگاهی کافی ندارند و برداشتشان از آن در سطوح مختلف، ناکافی است. مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که میان نگاه آرمانی مسئولان و تدوین‌کنندگان سند تحول با درک و برداشت مدیران و معلمان از واقعیت‌های اجرایی، تفاوت آشکاری وجود دارد و مدیران و معلمان، آرمان‌نویسی سند را خیال‌پردازی ناکام می‌دانند (بهروزی امین و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۳). موانع مشارکت از سوی مدرسه شامل نگاه سنتی مدیر به اداره مدرسه، آشنا نبودن مربیان با مزایای مشارکت اولیا، احساس ناتوانی در هدایت اولیا، ترس از مداخله‌ی بی‌جای اولیا، نگاه منفی به حضور اولیا، قدرت‌طلبی مدیر، نگاه سنتی به انجمن، و عدم انگیزه‌ی مدیر در جلب مشارکت است. آگاه ساختن معلمان از ظرفیت عظیم اولیا و آموزش آنان برای تقویت مهارت‌های ارتباطی با اولیا، جهت شناخت بهتر انتظارات و نیازهای طبقات مختلف اجتماعی، امری ضروری است (دبیری منش و صداقت خواه، ۱۴۰۰، ص ۱۶۹).

شهید رئیسی، چنان که پیش‌تر اشاره شد، برای مدیران، نقشی مهم در شکل‌گیری شخصیت و تربیت دانش‌آموزان قائل بودند و از همین رو، تحول در مدیران را امری شناختی، فرآیندی و نهادی



می‌دانستند؛ چنان‌که می‌فرمودند: «برای تحول، مدیران باید وضع موجود و مطلوب را ترسیم کرده و فاصله‌ی میان آن‌ها را کاهش دهند» (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۲/۶/۲۶).

۳. فهم نادرست از ماهیت حاکمیتی آموزش و پرورش: ابهام در مفاهیم به‌کاررفته در سند تحول می‌تواند به تفسیرناپذیری، سردرگمی مجریان و اعمال نظرات شخصی بینجامد. عدم درک یکسان و وجود تفاسیر گوناگون از برنامه‌های سند، مانع هم‌گرایی در اجرایی ساختن آن‌ها می‌گردد. برخی صاحب‌نظران معتقدند مفهوم مشارکت، چه در سطح جهانی و چه در ایران، دستخوش تحول شده، اما این تحول در فرهنگ ما ضعیف و کم‌رنگ است و بسیاری از مسئولان هنوز از جایگاه و نقش آموزش و پرورش در توسعه آگاهی کافی ندارند (بهروزی امین و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۴-۲۳). همچنان، اصلاح، ارتقا و تغییر نگرش به آموزش و پرورش، به‌عنوان سازمانی فراگیر و نیرویی اثرگذار در خدمت اهداف تعالی کشور، یک ضرورت به‌شمار می‌رود.

در مردمی‌سازی آموزش و پرورش، نباید مشارکت مردم را صرفاً به مسائل مالی محدود کرد؛ زیرا این نگرش، برداشتی نادرست و تک‌بعدی از این مفهوم است. سوءتفاهم‌هایی مانند نفی دین، برون‌سپاری یا ساختارگرایی درباره‌ی مردمی‌سازی وجود دارد که مانع اجرای صحیح آن می‌شود. تربیت باید بر اساس دین و نیازهای زمان باشد و مردمی‌سازی در تربیت، یعنی فراهم کردن شرایطی برای تحقق تربیت دینی با مشارکت خود مردم (راستیان، ابراهیم، ۱۴۰۲/۲/۳۰).

یکی از برنامه‌های محوری دولت سیزدهم در راستای مردمی‌سازی نظام حکمرانی آموزش و پرورش، «مشارکت اولیا و شخصیت‌های برجسته و تأثیرگذار در مدیریت مدارس» بوده است. این رویکرد نشان می‌دهد که مردمی‌سازی، صرفاً به معنای مشارکت مالی نیست، بلکه به دنبال بهره‌گیری از ظرفیت‌های فکری و مدیریتی جامعه در اداره‌ی نظام آموزشی است. یکی از ابتکارات مهم در راستای مردمی‌سازی، اعطای اختیار به مدارس بوده است. نخستین گام در این زمینه، اعطای اختیار به مدارس در آئین‌نامه‌ی اجرایی مدرسه بوده که این مهم، توسط شورای عالی آموزش و پرورش به انجام رسیده است.» (امانی، ۱۴۰۱/۹/۶).

۴. نگرانی‌های مرتبط با عدالت آموزشی: مسائل اقتصادی کشور، وضع درآمد مردم و توزیع عادلانه‌ی آن، از عوامل مؤثر بر مشارکت مردم در آموزش و پرورش است. این مسئله با عدالت اجتماعی و نقش قانون‌گذاری در این خصوص، وابستگی دارد و مشارکت یا عدم مشارکت مردم به سیاست‌های کلان اقتصادی و نحوه‌ی توزیع سرمایه و درآمد بستگی دارد (بهریزی امین و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۵). توزیع عادلانه‌ی ثروت ملی و بهبود شرایط اقتصادی خانواده‌ها، مستلزم برنامه‌ریزی اصولی دولت است. «واگذاری آموزش به بخش خصوصی وابسته به حاکمیت یا غیروابسته به حاکمیت، باعث ایجاد رانت در حوزه آموزش و پرورش می‌شود و شرایط بهره‌برداری‌های ناعادلانه در عرصه آموزش را حادث می‌کند و بی‌عدالتی آموزشی تشدید می‌شود.» این دیدگاه، بیانگر نگرانی جدی نسبت به پیامدهای طبقاتی‌شدن آموزش در صورت اجرای نادرست سیاست‌های مردمی‌سازی است (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۲/۲/۲۹).

شهید رئیسی نیز با تأکید بر نگاه ویژه‌ی دولت به موضوع عدالت آموزشی با بیان اینکه «از ابتدای آغاز کار دولت مردمی، اساس تقسیم بودجه بر محور عدالت و بر مبنای آمایش سرزمینی بوده است»، تصریح کردند: «جمهوری اسلامی ایران پرچم‌دار اجرای عدالت بوده، انتظار مردم تصویب قوانین عادلانه، قضاوت و داوری عادلانه و اجرای عدالت است که باید در تمامی شئون و سطوح این نظام اجرا شود» (بیانات در تاریخ: ۱۴۰۳/۲/۱۰)

جدول SWOT راهبرد مردمی سازی آموزش و پرورش در گفتمان شهید رئیسی

نقاط قوت	نقاط ضعف
<ul style="list-style-type: none"> ✓ کاهش شکاف میان خانه و مدرسه و هماهنگی بیشتر در رویکردهای تربیتی ✓ تغییر نگرش در سطح مدیران مدارس و کارشناسان آموزش و پرورش ✓ موفقیت‌های خیرین مدرسه‌ساز و تجارب موفق مشارکت مردمی ✓ تأکید بر نقش خانواده‌ها در تصمیم‌گیری‌های آموزشی ✓ کاهش تصدی‌گری دولت و تقویت نقش نظارتی حاکمیت 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ موانع قانونی و ساختاری در فراهم کردن زمینه مشارکت وسیع مردم ✓ آگاهی‌بخشی ناکافی به مدیران و معلمان در خصوص مفهوم و ابعاد مشارکت ✓ فهم نادرست از ماهیت حاکمیتی آموزش و پرورش و محدود کردن مشارکت به مسائل مالی ✓ نگرانی‌های مرتبط با عدالت آموزشی و تشدید نابرابری در صورت اجرای نادرست سیاست‌ها ✓ عدم پیش‌بینی ضمانت اجرایی کافی برای سند تحول بنیادین و عدم تطابق قوانین با آن
فرصت‌ها	تهدیدها
<ul style="list-style-type: none"> ✓ تأکید سند تحول بنیادین بر مشارکت همگانی به‌ویژه خانواده ✓ پتانسیل بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای مدنی و دینی مانند وقف و امور خیریه ✓ ضرورت کوچک‌سازی تصدی‌گری دولت و تقویت کارویژه نظارتی حاکمیت ✓ نقش بی‌بدیل خانواده به‌عنوان نخستین نهاد تربیتی در تصمیم‌گیری‌ها و نظارت آموزشی ✓ الزامات قانونی و ساختاری برای حمایت از مشارکت مردمی (نیاز به اصلاح و تقویت قوانین موجود) 	<ul style="list-style-type: none"> ✓ پتانسیل ایجاد بی‌عدالتی آموزشی و تشدید شکاف طبقاتی در جامعه ✓ محدودیت منابع دولتی برای تأمین تمام نیازهای نظام آموزشی ✓ مقاومت در برابر تغییر به دلیل نگاه‌های سنتی و عدم آگاهی کافی در میان برخی ذی‌نفعان

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مردمی‌سازی آموزش و پرورش، به‌عنوان یک رویکرد کلیدی برای دگرگونی نظام آموزشی کشور، در گفتمان شهید رئیسی جایگاهی برجسته یافته است. این راهبرد، با تأکید بر نقش فعال و فراگیر مردم در فرایند تربیت، اصلاح ساختار حکمرانی آموزش و پرورش را دنبال می‌کند. بررسی‌ها حکایت از آن دارد که در دوران شهید رئیسی، مردمی‌سازی آموزش و پرورش از طریق تدابیری چون کاهش نقش مستقیم دولت، تقویت جایگاه خانواده‌ها در تصمیم‌گیری‌های آموزشی، ارتقای نقش نظارتی حاکمیت و بهره‌گیری از توانمندی‌های نیکوکاران مدرسه‌ساز و مدرسه‌یار، مورد اهتمام بوده است. از دستاوردهای مهم این راهبرد، می‌توان به کاهش فاصله میان خانه و مدرسه و ایجاد انسجام بیشتر در رویکردهای تربیتی اشاره کرد. تعامل سازنده میان این دو نهاد، به همسویی در اهداف و روش‌های تربیتی انجامیده و از بروز تناقض‌هایی که می‌تواند به سردرگمی دانش‌آموزان بینجامد، پیشگیری می‌کند. همچنین، موفقیت‌های خیرین مدرسه‌ساز و تجارب ارزشمند مشارکت مردمی در احداث و تجهیز فضاهای آموزشی، از دیگر نتایج درخور توجه است. این مشارکت، نه تنها به جبران کمبود فضاهای آموزشی یاری می‌رساند، بلکه نمونه‌ای آشکار از باقیات الصالحات به شمار می‌رود. تغییر نگرش در میان مدیران مدارس و کارشناسان آموزش و پرورش نیز از ثمرات مثبت مردمی‌سازی است؛ دیدگاه مشارکت‌جویانه مدیران، می‌تواند به بهره‌برداری مطلوب از ظرفیت‌های اولیا و همکاری صمیمانه‌ی آنان با مدرسه منجر گردد.

با این وجود، مردمی‌سازی آموزش و پرورش با چالش‌ها و موانعی نیز روبروست. موانع قانونی و ساختاری، از جمله این چالش‌ها محسوب می‌شود؛ ساختار فعلی آموزش و پرورش، زمینه‌ی مشارکت گسترده‌ی مردم را به طور کامل فراهم نمی‌سازد و نیازمند اصلاحات بنیادین است. عدم پیش‌بینی ضمانت اجرایی کافی و عدم تطابق قوانین و مقررات با سند تحول بنیادین، از جمله موانع قانونی به شمار می‌روند. آگاهی‌بخشی ناکافی به مدیران و معلمان نیز چالش دیگری است؛ برخی مدیران، آموزش لازم برای مدیریت مشارکتی را فرا نگرفته‌اند و درکی جامع از ابعاد مشارکت

ندارند. افزون بر این، برداشت نادرست از مفهوم حاکمیتی آموزش و پرورش و محدود ساختن مشارکت مردمی صرفاً به مسائل مالی، از دیگر چالش‌هاست. برخی صاحب‌نظران بر این باورند که مفهوم مشارکت در فرهنگ ما، نیازمند تحول و ارتقای نگرش است. نگرانی‌های مرتبط با عدالت آموزشی نیز در این زمینه مطرح است؛ مسائل اقتصادی و نحوه‌ی توزیع عادلانه‌ی آن می‌تواند بر مشارکت مردم تأثیر بگذارد و واگذاری آموزش به بخش خصوصی بدون نظارت کافی، می‌تواند به تشدید نابرابری آموزشی منجر شود. دولت شهید رئیسی تلاش‌هایی را برای رفع این موانع از طریق اصلاح آیین‌نامه‌ها، برگزاری نشست‌های تخصصی و تهیه پیش‌نویس لوایح قانونی آغاز کرده بود.

خلاصه آنکه، مردمی‌سازی آموزش و پرورش در اندیشه‌ی شهید رئیسی، راهبردی امیدوارکننده برای اعتلای کیفیت نظام تعلیم و تربیت است، اما تحقق کامل آن، مستلزم رفع موانع قانونی، فرهنگی و ساختاری، افزایش آگاهی ذی‌نفعان و تضمین اجرای عدالت آموزشی در تمامی ابعاد است.

پژوهش حاضر ضمن تبیین «راهبرد مردمی‌سازی آموزش و پرورش در گفتمان شهید رئیسی»، افق‌هایی نوین برای پژوهش‌های آتی می‌گشاید. به‌منظور تعمیق مباحث نظری و ارائه راهکارهای عملیاتی مبتنی بر شواهد، به پژوهشگران علاقه‌مند به این حوزه پیشنهاد می‌شود تا بر محورهای پژوهشی ذیل تمرکز نمایند:

۱. تحلیل تطبیقی الگوهای حکمرانی مشارکتی در آموزش و پرورش: اجرای مطالعات تطبیقی نظام‌مند میان مدل‌های مختلف مردمی‌سازی (شامل خصوصی‌سازی، واگذاری، مشارکت عمومی - خصوصی، و مدل‌های جامعه‌محور) در نظام‌های آموزشی کشورهای منتخب (با ساختارهای سیاسی و فرهنگی متنوع) و مقایسه آن با الگوی مدنظر در ایران، باهدف شناسایی عوامل زمینه‌ای موفقیت و استخراج دلالت‌های سیاستی برای بومی‌سازی الگوهای کارآمد.
۲. بررسی نقش فناوری‌های نوین در تحقق‌پذیری و تسهیل مردمی‌سازی: تحلیل پتانسیل‌ها و چالش‌های به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) و پلتفرم‌های دیجیتال در جهت

افزایش شفافیت، تسهیل مشارکت ذی‌نفعان (به‌ویژه والدین و جامعه محلی) در فرآیندهای تصمیم‌گیری و نظارت بر عملکرد مدارس، و ارتقای کیفیت تعاملات میان مدرسه، خانواده و جامعه.

۳. ارزیابی تأثیرات مردمی‌سازی بر زیست‌بوم حرفه‌ای معلمان: مطالعه تجربی و طولی پیرامون پیامدهای اجرای الگوهای مختلف مردمی‌سازی بر متغیرهای کلیدی مرتبط با معلمان، از جمله: امنیت شغلی، انگیزش و رضایت شغلی، توسعه حرفه‌ای، خودمختاری عمل، و در نهایت کیفیت کنش تدریس آنان، با در نظر گرفتن تغییر نقش دولت از تصدی‌گری به تنظیم‌گری و تسهیل‌گری.

۴. تحلیل پیامدهای اجتماعی - فرهنگی و عدالت‌محور مردمی‌سازی: انجام پژوهش‌های پیمایشی و کیفی گسترده در مناطق مختلف کشور (با لحاظ تفاوت‌های جغرافیایی، اقتصادی و فرهنگی) به‌منظور سنجش و ارزیابی تأثیرات اجرای سیاست‌های مردمی‌سازی بر شاخص‌های کلیدی نظیر: انسجام اجتماعی محلی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی، شکاف آموزشی میان مناطق و گروه‌های اجتماعی، و تحقق اصل عدالت تربیتی.

۵. طراحی و اعتبارسنجی مدل‌های مشارکت ساختاریافته در سطوح کلان سیاست‌گذاری: توسعه و آزمون الگوهای مفهومی و عملیاتی نوین برای ایجاد سازوکارهای نهادینه و مؤثر به‌منظور دخیل‌سازی نظام‌مند نمایندگان واقعی مردم، انجمن‌های علمی، نهادهای مدنی، نخبگان فکری و خانواده‌ها در فرآیندهای کلان سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت بر عملکرد نظام آموزش و پرورش در سطح ملی و منطقه‌ای.

۱. قرآن کریم (ترجمه: آیت الله مکارم شیرازی)
۲. آرین فرد، س. و عظیمی، م. (۱۴۰۰). ضرورت حفظ پیوند بین خانواده و مدرسه. اولین کنفرانس ملی مطالعات خانواده و مدرسه، بندرعباس، دانشگاه هرمزگان.
۳. اکبری پویانی، ط. و حکیمی، س.ب. (۱۴۰۱). مردمی سازی آموزش و پرورش، جایگزین دولتی سازی و تجاری سازی؛ از طریق نهاد وقف و نیکوکاری. مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی خیرمندانگار.
۴. امانی تهرانی، محمود. (۱۴۰۱). نشست علمی «مردمی سازی نظام حکمرانی آموزش و پرورش با الهام از فرهنگ بسیج». قابل دسترس در: <http://www.sce.ir/fa/news/4397>
۵. بهروزی امین، ز.، عباسی سروک، ل.، صمدی، م. و رضازاده، ح. (۱۴۰۰). تبیین تحلیلی مشارکت در مدارس از منظر زیر نظام راهبری و مدیریت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره پیاپی ۶۶، دوره دوم، شماره ۴۹، صص ۵-۲۴.
۶. تقی زاده، ع. (۱۳۹۵). نقش اولیا در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش کودکان در مقطع ابتدایی. کنگره بین المللی علوم اسلامی، علوم انسانی، تهران.
۷. حسینی، س.غ.، جوادی گیکلو، م. (۱۳۹۸). اهمیت جایگاه شوراهای آموزش و پرورش در سیستم تعلیم و تربیت. سومین کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی.
۸. خبرگزاری ایرنا. (۱۴۰۳). "مردمی سازی نظام مدیریتی آموزش و پرورش از سیاست های محوری دولت سیزدهم است". گزارش خبری از سفر استانی رئیس جمهور به خوزستان.
۹. خبرگزاری ایسنا. (۱۴۰۳). مصاحبه فرشاد ابراهیم پور، نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، «تهیه طرحی برای مردمی سازی آموزش و پرورش و اصلاح روند اداره مدارس». قابل دسترس در: <https://isna.ir/xdRSjy>
۱۰. خبرگزاری تسنیم. (۱۴۰۲). «آیا مردم سازی آموزش و پرورش اسم رمزی برای توسعه پر سرعت مدارس پولی است؟!». قابل دسترس در: <https://tn.ai/2892379>
۱۱. خبرگزاری صدا و سیما. (۱۴۰۲). رضامراد صحرایی در حاشیه دیدار مردمی با مردم شهرستان دزپارت خوزستان، «عدالت آموزشی، اولویت راهبردی نظام تعلیم و تربیت». قابل دسترس در: <https://www.iribnews.ir/064bl r>
۱۲. دبیری منش، ف. و صداقت خواه، ر. (۱۴۰۰). چگونه با استفاده از مدیریت خود می توانیم نقش انجمن و اولیاء را در امور مدارس ابتدایی افزایش دهیم؟. مجله پیشرفت های نوین در روانشناسی علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال چهارم، شماره ۳۶، صص ۱۶۲-۱۷۱.
۱۳. راستیان، ابراهیم. (۱۴۰۲). یادداشت علمی با عنوان «مردمی سازی در تربیت رسمی چه چیزی نیست». قابل دسترس در: <https://rushd.ir/?p=11876>

۱۴. رئیسی، سید ابراهیم. (۱۴۰۲/۰۷/۰۱). بیانات در مراسم آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲. قابل دسترس در: <https://medu.gov.ir/fa/node/۷۳۲۲۹>
۱۵. رئیسی، سید ابراهیم. (۱۴۰۳/۰۲/۱۰). بیانات در آیین تجلیل از معلمان نمونه کشوری. قابل دسترس در: <https://raisi.ir/۸۱۸۵>
۱۶. رئیسی، سید ابراهیم. (۱۴۰۱/۱۱/۱۳). بیانات در آیین افتتاح ۱۱۰۰ پروژه آموزشی در سراسر کشور. قابل دسترس در: <https://medu.gov.ir/fa/node/۴۸۲۰>
۱۷. رئیسی، سید ابراهیم. (۱۴۰۱/۰۷/۲۵). بیانات در «نظارت ستادی» وزارت آموزش و پرورش. قابل دسترس در: <https://medu.gov.ir/fa/node/۷۸۱>
۱۸. رئیسی، سید ابراهیم. (۱۴۰۲/۰۶/۲۶). بیانات در همایش مدیران مدارس کشور. قابل دسترس در: <https://medu.gov.ir/fa/node/۷۰۷۵۸>
۱۹. صمدی، م. (۱۴۰۲). *واکاوی تسهیل گرهای مشارکت خانواده در سیاست گذاری های تربیتی*. فصلنامه علمی علوم تربیتی از دیدگاه اسلام، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۱۲۵-۱۵۴.
۲۰. شوشتری، ا. و خزامی، پ. (۱۴۰۳). *چارچوبی برای مشارکت والدین و مدرسه با ادغام عوامل و فرایندهای مرتبط*. فصلنامه علمی پژوهش های نوین در آموزش و پرورش، جلد ۵، شماره ۱، صص ۶۱-۷۰.
۲۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*.
۲۲. عابدی، هادی. (۱۴۰۱). مصاحبه با خبرگزاری پانا با عنوان «*راهبرد برای مردمی سازی نظام تعلیم و تربیت*». قابل دسترس در: <https://www.pana.ir/fa/tiny/news-۱۳۴۴۴۴۶>
۲۳. عسکری، ز. (۱۴۰۰). *راهکارهای اجرایی سازی سند تحول بررسی نقش اولیا و مشارکت آنان در مدارس*. نهمین همایش ملی تازه های روانشناسی مثبت.
۲۴. قاسمی پویا، ا. (۱۳۷۴). *مشارکت مردمی در آموزش و پرورش چگونه باید باشد*. تهران: فرهنگ توسعه، شماره ۱۷، صص ۵۶-۶۰.
۲۵. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸).
۲۶. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۵۸، اصل ۴۴.
۲۷. قربانی، علی؛ محمد شیرازی، محمد؛ هاشمی نژاد، سید امیر. (۱۴۰۲). *بررسی ابعاد مشارکت در آموزش و پرورش (۳): تجربه انجمن اولیا و مربیان*. مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۲۸. مرادیکی، غ. و کوشکی، م. (۱۴۰۲). *نقش تعامل و مشارکت خانواده با مدرسه در رشد و تعالی دانش آموزان سراسر کشور*. مجله اختلالات جنسی و روانشناسی، سال اول، شماره ۴، صص ۱-۱۶.
۲۹. مرزوقی، رحمت اله؛ جهانی، جعفر؛ ترک زاده، جعفر؛ امیری طیبی، مسلم. (۱۳۹۷). *الگوی مفهومی تعامل مدرسه خانواده و مسجد از منظر تعلیم و تربیت اسلامی*. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۲۱ (۷۹)، ۳۶۷-۳۳۸.



۳۰. مظاهری، ح.، موسی‌پور، ن. و ناطقی، ف. (۱۳۹۵). نقش خانواده در برنامه درسی شایستگی محور دوره ابتدایی از منظر اسناد تحول بنیادین آموزش و پرورش. فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۳۴، صص ۲۴-۷.
۳۱. منافی شرف آباد، ک. و زمانی، ا. (۱۳۹۲). راهکارهای بهبود بخش مشارکت خانواده و مدرسه در امور آموزشی و پرورشی دانش آموزان. کنگره پیشگامان پیشرفت، صص ۱۶۰-۱۷۲.
۳۲. نظری دالینی، ن. (۱۳۹۹). فرهنگ و توسعه مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش. پنجمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمودآباد.
۳۳. نوروزنژاد قادی، محمد؛ سراجی، فرهاد؛ یوسف‌زاده چوسری، محمدرضا. (۱۳۹۸). ادراک اولیاء و مدیران از مفهوم مشارکت در امور مدرسه. دوفصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۷ (۱۴)، ۳۱۹-۳۵۶.